

معضل پلاستیک و رشد پُرشتاب فرهنگ مصرفی

بطری خالی را در سطل انداختید؟ واقعاً «هیچ» کاری برای محیط‌زیست نکردید

سیسپهرغرب، گروه زیست‌بوم:
ماجرای پلاستیک همان داستان سوخت‌های فسیلی است و رشد پرشتاب فرهنگ مصرفی؛ اسم پلاستیک که می‌آید، همه ی‌باد بطری آب و یا کیسه خرید می‌افتند، گرچه واقعیت چیز دیگری است. حدود ۵۰ درصد از لوازم خودروها از پلاستیک ساخته شده و لباس‌هایمان هم بیشتر از پلی‌استر هستند تا نخ و پنبه؛ چرا این‌طور نباشد؟ ارزان، سبک و در دسترس و از همه مهم‌تر اینکه راحت می‌شود دورش انداخت. همین هم باعث شده تا لکه‌ای از زباله به وسعت سه برابر کشور فرانسه در وسط اقیانوس آرام ایجاد شود.

پلاستیک همه‌جا را فرا گرفته و ناگهان به این نتیجه رسیده‌ایم چیز بسیار بدی است. شاید شگفت‌زده شوید از شنیدن اینکه در ساخت خودروها و هواپیماهای امروزی نیز ۵۰ درصد پلاستیک به‌کار رفته؛ همچنین در بریتانیا از پلاستیک در مقادیر جزئی به‌صورت چسب برای بستن بخش اعظم ۶۰ میلیارد چای کیسه‌ای در هرسال استفاده می‌کنند. وقتی این‌ها را به گسترش چشمگیر اسباب‌بازی‌ها، بسته‌بندی‌ها و خرده‌ریزهای خانگی اضافه می‌کنیم، وسعت امپراتوری پلاستیک هویدا می‌شود؛ سالانه حدود ۳۴۰ میلیون تُن مواد پلاستیکی تولید می‌شود که برای پُر کردن هر آسمان‌خراشی در نیویورک کافی است. در اوایل دهه ۱۹۹۰ از مرز تولید ۱۰۰ میلیون تُن پلاستیک در جهان گذشتیم.

اما اکنون به دلایل نامعلومی شورش جهانی علیه پلاستیک را شاهد هستیم. طی سال ۲۰۱۶ سازمان صلح سبز طوماری را در ممنوعیت میکرومهره‌های پلاستیک در انگلستان درخواست کرده بود که در

عرض فقط چهار ماه، ۳۶۵ هزار امضا جمع کرد و توانست بزرگ‌ترین طومار زیست‌محیطی ارائه‌شده به دولت شود. گروه‌های معترض از آمریکا گرفته تا کره جنوبی، موادی را که بسته‌بندی‌های پلاستیکی نامطلوب و زائد می‌نامند، در سوپرمارکت‌ها لتبار کردند. در اوایل سال ۲۰۱۸ مشتریان انگلیسی در اعتراض به بازیافت‌ناپذیر بودن بسته‌بندی چیپس‌ها، این‌قدر پات چیپس به تولیدکننده‌های چیپس پست کردند که اداره پست به ستوه آمد!

وحشت از پلاستیک را در سطوح عالی دولت می‌توان به واکنش جولانه در برابر بلایای طبیعی و یا بحران بهداشتی عمومی تشبیه کرد. سازمان ملل علیه پلاستیک یک‌بارمصرف اعلام «جنگ» کرده است؛ در بریتانیا ترزا می پلاستیک را «بلا» (۱) نامیده و دولت را متعهد به اجرای برنامه‌ای ۲۵ ساله برای حذف بسته‌بندی‌های یک‌بارمصرف تا سال ۲۰۴۲ کرده است و هند هم اعلام کرده که همین کار را انجام خواهد داد، اما تا سال ۲۰۲۳.

جولیان کری، از کنشگران شبکه بین‌المللی «دوستان زمین» می‌گوید: در طول تقریباً دو دهه مبارزه، هرگز چنین چیزی ندیده‌ام. سازمان دوستان زمین برنامه پلاستیکی خود را از سال ۲۰۱۶ آغاز کرد؛ سازمان صلح جهانی تا سال ۲۰۱۵ گروهی اختصاصی برای پلاستیک نداشت. یکی از روزنامه‌نگاران دیلی‌میل که از نخستین روزنامه‌های فعال در موضوع پلاستیک بود، به من گفت که بیش از هر مسئله زیست‌محیطی دیگر، درباره پلاستیک نامه دریافت می‌کنند.

حالا مجموعه هستند «سپاره زمین ۲» را داریم. دسامبر گذشته ۶ دقیقه از آخرین قسمت این سریال مستند به بررسی تأثیر پلاستیک بر زندگی دریایی اختصاص یافته بود؛ لاک‌پشتی در تور پلاستیکی گرفتار شده و مرغ دریایی بزرگی به‌خاطر تکه‌های پلاستیکی رفته در شکمش، مرده بود.

شاید در آستانه پیروزی زیست‌محیطی بزرگی هستیم، از همان جنبش پیروزی که اکنون با گذشت سه دهه پس از اقدام موفق علیه باران‌های اسیدی و گازهای سی‌افسی مشاهده نشده است. موج بزرگ زندگی عمومی صاحبان قدرت را به حذف یک ماده از زخم جعمی ما وارد می‌کند و با تهدیدات بزرگی که تاکنون حاصل شده است، نشانه‌های امیدبخشی به چشم می‌خورد.

اما راهی‌ای از پلاستیک نیازمند چیزی فراتر از راه‌اندازی راهروهای بدون بسته‌بندی در سوپرمارکت‌ها و عدم استفاده از نی‌های پلاستیکی است. درواقع پلاستیک آن‌قدر ارزان بود که دور ریختنش به آسانی توجه‌پذیر شد؛ این کار برای خریداران راحت بود و فروشندگان نیز خوشحال بودند که به‌زای هر نوشیدنی و یا ساندویچ، یک ظرف پلاستیکی جدید نیز به آن‌ها می‌فروشتند. اما شاید بدانیم چگونه شهسو زندگی ما را این سپاره خاکی را دگرگون کرده است.

دانشمندان کشف کردند که پلاستیک‌ها در مناطق آرام بین جریان‌های اقیانوسی اینبشته می‌شوند و قسمت‌هایی را تشکیل می‌دهند که کریس ایسمایر، اقیانوس‌شناس آمریکایی آن‌ها را «لکه‌های زباله‌ای بزرگ» نامید.

در سال ۲۰۰۴ مقیاس مشکل وقتی آشکارتر شد که ریچارد تامسون، اقیانوس‌شناس دانشگاه پلیوت اصطلاح «میکروپلاستیک» را برای اشاره به پلیاردها ذره پلاستیکی ابداع کرد که از تخریب یا میلاردی ریز گرفته تا ایزبان بزرگی می‌شوند. پژوهشگرانی از سراسر دنیا شروع به فهرست کردن راه‌های ورود این میکروپلاستیک به اندام‌های موجودات زنده از کربل‌های ریز گرفته تا ایزبان بزرگی می‌مانند ماهی تن کردند. در سال ۲۰۱۵ گروهی به رهبری جتا جامیک، مهندس محیط‌زیست دانشگاه جورجیا به این برآورد رسیدند که هرساله حدود ۴/۸ تا ۱۲/۷ میلیون تُن پلاستیک وارد اقیانوس می‌شود و پیش‌بینی کردند که این رقم تا سال ۲۰۲۵ دو برابر خواهد شد. معضل پلاستیک به طرز حیرت‌آوری بزرگ بود که مردم را نگران کرد. رونالد گایر، بوم‌شناس صنعتی برجسته از دانشگاه کالیفرنیا به من گفت که بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۶ تعداد مصاحبه‌هایش در موضوع پلاستیک شاید کمتر از ۱۰ مورد بوده، اما در دو سال گذشته بیش از ۲۰۰ درخواست مصاحبه دریافت کرده است.

موضوع این است که نگرش کلی ما به پلاستیک دچار تحول عمیقی شده، ما پیش‌تر پلاستیک را آشغال می‌دیدیم و آن را مثل زباله‌های دیگر نوعی مزاحمت می‌انگاشتیم و نه تهدیدی جدی. اخیراً نگرش مذکور با پذیرش گسترده این واقعیت کمرنگ شده است که پلاستیک بسیار فراگیرتر و شوم‌تر از چیزی است که مردم تصور را می‌کردند.

میکرومهره‌ها دانه‌های پلاستیکی بسیار ریز و ساینده‌ای هستند که شرکت‌ها در اواسط دهه ۱۹۹۰ برای ایجاد ساینده‌ی به محصولات آرایشی و پاک‌کننده اضافه می‌کردند (تقریباً همه محصولات پلاستیکی پیش از این همتایی طبیعی و اغلب تجزیه‌پذیر داشتند؛ میکرومهره‌های پلاستیکی جای هسته‌های گیاهی آسیب‌شده و یا سنگ یا را گرفتند)؛ از سال ۲۰۱۰ هشدارهای دانشمندان در مورد خطرات احتمالی که زندگی دریایی را تهدید می‌کرد، بیشتر شد و مردم از شنیدن خبر وجود میکرومهره‌ها در هزاران محصول مصرفی خود، جا خوردند.

به گفته ویل مک‌کالوم رئیس پویش‌های پلاستیکی سازمان صلح سبز انگلستان، وقتی مردم فهمیدند میکرومهره‌ها در میلیون‌ها لوله فاضلاب حمام‌ها جریان دارند، لحظه کلیدی شورش عمومی علیه پلاستیک بود. وقتی در سال ۲۰۱۵ کنگره آمریکا بررسی ممنوعیت محدود لوازم آرایش حاوی میکرومهره‌ها را در دستور کار قرار داد، این ممنوعیت با حمایت گسترده هر دو جناح به تصویب رسید. برزی کریک، عضو مجلس انگلیس و رئیس کمیته بررسی زیست‌زیست مجلس که در سال ۲۰۱۶ به تحقیق درباره میکرومهره‌ها مشغول بود (تحقیقی که در نهایت به ممنوعیت جامع تولید و فروش این مواد انجامید)، می‌گوید: مسئله از آگاهی نزدیک به صفر در افکار عمومی، به نوعی شوک گسترده تغییر وضعیت داد.

مردم همچنین به‌زودی فهمیدند که تکه‌های مصنوعی مانند نایلون و پلی‌استر با هر بار شستشو، هزاران الیاف میکروسکوپی وارد آب می‌کنند و دانشمندان نشان دادند که این الیاف چگونه سر از شکم ماهی‌ها درمی‌آورند؛ سپس معلوم شد لاستیک‌ها که ۱۰ درصد از پلاستیک ساخته شده‌اند، هنگام حرکت رشته‌های پلاستیکی از خود به‌جا می‌گذارند که ممکن است بیش از مجموع پلاستیک‌های ناشی از میکرومهره‌ها و لباس‌ها باشد. به گفته کریس رز، از مدیران پیشین صلح سبز و نویسنده وبلاگی تأثیرگذار درباره پیام‌رسانی زیست‌محیطی، دانشمندان از مدت‌ها پیش پلاستیک را الاینده‌ای خطرناک می‌دانند، اما تا همین اواخر عموم مردم دیدگاهی بسیار متفاوت داشتند.

کنید، جواب خواهید شنید؛ نداریم، باعث مرگ نهنگ‌ها می‌شود.

در مشکل پلاستیک اکنون بحث از ماده‌ای شیمیایی است که پیش‌تر با خط بیزی روی اسپری مو چاپ شده و دور از نظر بود و آماده شد، به جش ماهی‌ها و یا ایجاد سوراخ در لایه آوزون کمک کند. اریک فان سیبل، اقیانوس‌شناس دانشگاه امبریال کالج می‌گوید: هر روز با تعجب از خود می‌پرسم: پلاستیک چگونه دشمن شماره یک مردم شده است؟ این دشمن باید تغییرات اقلیمی باشد. با دانشمندان دیگری نیز صحبت کردم که آن‌ها نیز آلودگی پلاستیکی را به‌عنوان مشکلی در بین انبوه مشکلات دیگر کم‌اهمیت دانستند، هرچند موردی بوده که توجه عمومی را از مسائل ضروری‌تر دور کرده است.

برخلاف تغییرات اقلیمی که پدیده‌ای مهم، وسیع و آخرازمانی به نظر می‌آید، پلاستیک مشکل کوچک‌تر و ملموس‌تر است؛ تام برک، از مدیران پیشین «دوستان زمین» می‌گوید: «موم مردم دست به محاسبات دقیقی نمی‌زنند، مثلاً نمی‌گویند این معضل از آن یکی بدتر است، جرقه‌های زده می‌شود و مردم می‌بینند که در مورد یک موضوع با دیگران حس مشترکی دارند، سپس مسئله ضرورت پیدا می‌کند و مردم می‌خواهند اوضاع درست شود.» یا کریستین دان، استاد بوم‌شناسی دانشگاه بانگور می‌گوید: این مشکلی است که می‌توانیم با آن کنار بیاییم.

ما تأسیسات باغ‌وحش چستر است که بوفه آن‌ها درحال حذف بسته‌بندی‌های پلاستیکی یک‌بارمصرف است و از مغازه کادویی نیز بازرسی می‌کنند؛ باغ‌وحش بزرگ‌ترین جاذبه گردشگری در منطقه و هدای عظیم برای پویش است. این‌گونه پویش عملی در چند سال اخیر بین افراد محلی گسترش یافته؛ درنتیجه وارد مرحله‌ای شده‌ایم که در آن هر برند، سازمان و یا سیاستمداری می‌کوشد تا نشان دهد اقدامی می‌کند. می‌فهمیم که باشگاه تانهام

هاتسپر قصد دارد همه پلاستیک‌های یک‌بارمصرف را از استاندارد جدیدش حذف کند، در شهر سیاتل استفاده از نی پلاستیکی در محدوده شهر ممنوع شده است، درحالی که استراباکس، مشهورترین فروشگاه قهوه در این شهر قول داده سالانه حدود یک میلیارد نی را از ۲۸ هزار فروشگاه خود در سراسر دنیا حذف کند و نیز شرکت اسباب‌بازی‌سازی لگو که هیچ محصول غیر پلاستیکی نمی‌سازد، به دنبال راهایی برای استفاده از پلاستیک‌های گیاهی در خطوط تولید خود است.

همچنین نشانه‌های روشنی از فرصت‌طلبی نیز دیده می‌شود؛ یکی از مقامات پیشین وزارت محیط‌زیست، غذا و امور روستایی بریتانیا به من گفت که در وزارت‌ها عموماً این توجه جدید به پلاستیک را به‌مثابه رقابت بر سر سیاست‌های غیر حزبی عامه‌پسند با هدف تر کردن خلأ بعد از همه‌پرسی برکسیت قلمداد می‌کردند.

انگیزه سیاستمداران هرچه باشد، بی‌تدرید واکنش عمومی علیه پلاستیک توجه سطوح عالی دولت و کسب‌وکار را به یک مشکل زیست‌محیطی جدی معطوف و آن‌ها را در متقاعد کرده که این موضوع برنده خوبی است.

ماجرای پلاستیک همان داستان صنعت مبتنی بر سوخت‌های فسیلی است. داستان رشد پرشتاب فرهنگ مصرفی با نیروی محرکه نفت پس از جنگ جهانی دوم.

پلاستیک اصطلاحی کلی است برای اشاره به محصولاتی که از تبدیل یک ترکیب شیمیایی پرکربن به ساختاری متمایز تولید می‌شوند. عصر نوین پلاستیک از سال ۱۹۰۷ با اختراع باکلیت (۲) در آمریکا آغاز شد. باکلیت (ماده‌ای کاملاً مصنوعی که از فویل به‌عنوان نقطه شروع استفاده می‌کند) محصولی سبک، صیقلی و با رنگ روشن است؛ به‌عبارت دیگر امروزه می‌توانیم آن را پلاستیک بدانیم. مخترعان باکلیت در ابتدا می‌خواستند از آن به‌عنوان عایقی برای سیم‌کشی برق استفاده کنند، اما خیلی زود به قابلیت تقریباً نامحدودی پی بردند و با وصف «ماده‌ای با هزار کاربرد» تبلیغش کردند.

تولید پلاستیک آمریکا بین سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۴۵ بیش از سه‌برابر شد و از ۹۷ هزار تُن به ۳۷۱ هزار تُن رسید. پس از جنگ جهانی نیز شرکت‌های بزرگ نفت و مواد شیمیایی بازار را بین خود تقبیت کردند؛ شرکت‌های دوپون، مونسانتو، موبیل و اکسان تأسیسات تولید پلاستیک خریداری کردند و با تأسیسات قبلی خود را توسعه دادند. این کار ازاحاط لجستیکی منطقی بوده؛ این شرکت‌ها از قبل مواد خام پلاستیک را به‌صورت فنول و نفتا، از فرآورده‌های جنبی عملیات نفتی ذخیره کرده بودند. آن‌ها با ایجاد محصولات پلاستیکی جدید (مثل اختراع استایروفوم در دهه ۱۹۴۰ توسط شرکت داو کمیکال یا اختراع ورقه‌های پلاستیکی برای استناد خود به‌سته‌بندی که شرکت موبیل به نام خود ثبت کرده است) درواقع بازارهای جدیدی برای نفت و گاز خود خلق می‌کردند. پژوهشگری که برای دفتر ملی علوم استرالیا کار می‌کرد، سال ۱۹۸۸ در مقاله‌ای نوشت: «توسعه صنعت پتروشیمی شاید بزرگ‌ترین و تنها عامل کمک‌کننده به رشد صنعت پلاستیک است.»

پوشش‌های پلاستیکی زاک در اوایل دههٔ ۱۹۵۰ عرضه شدند و جای کافزد و پارچه‌های محافظ کالاهای مصرفی و مورد استفاده در خشک‌شویی را گرفتند. شرکت دوپون گزارش داد که تا پایان دهه بیش از یک میلیارد ورقه پلاستیکی به خرده‌فروشان فروخته است. در همان حین پلاستیک به شکل رنگ لاتکس و عایق پلی‌استایرن وارد میلیون‌ها خانه شده بود؛ خیلی زود پلاستیک همه‌جا حضور یافت، حتی در فضای خارج از جو زمین؛ پرچی که نیل آرمنسترانگ در سال ۱۹۶۹ بر روی رله ماه کاشت، از نایلون ساخته شده بود. سال بعد شرکت‌های کوکاکولا و پپسی شروع کردند به جایگزین کردن بطری‌های شیشه‌ای با بطری‌های پلاستیکی تولید شرکت‌های مونسانتو و استاندارد اوپل. رولان بارت، فیلسوف فرانسوی در سال ۱۹۷۲ نوشت: «سلسله‌مراتب ماده‌ها منسوخ شده است، یک ماده واحد جای همه را می‌گیرد.»

اما کاری که پلاستیک کرد، چیزی فراتر از گرفتن جای مواد موجود بود که در غیر این‌صورت دنیا را تغییر نمی‌داد. ویژگی‌های منحصربه‌فرد پلاستیک (عطاف‌پذیری، راحتی کار با آن و نیز سبکی و ارزانی به‌مراتب بیشتر از مواد دیگر که جایگزینشان شد) عملاً به گرایش اقتصاد جهانی به مصرف کالاهای دورریختنی شتاب بخشید. ویکتور لیپو، اقتصاددان سرشناس در سال ۱۹۵۵ نوشت: «اقتصاد فوق‌العاده ملول ما مستلزم آن است که شیوه زندگی خود را بر مصرف استوار کنیم، ما به کالاهایی نیاز داریم که

با سرعتی فزاینده مصرف می‌شوند، تمام می‌شوند، فرسوده می‌شوند، جایگزین می‌شوند و دور ریخته می‌شوند.» سال ۱۹۵۴ وقتی لوید استوفر، از مجله تخصصی مادرن پلاستیکس در اجلاسی گفت «اینده پلاستیک در سطل زباله جای دارد»، مطبوعات او را مسخره کردند. او سالال ۱۹۶۲ نیز در همان اجلاس حضور یافت، درحالی که حرفش ثابت شده بود.

پلاستیک مترادف شد با سود؛ یکی از پژوهشگران میدوست ریسرچ اینستیتوت، از شرکت‌های تحقیقات مهندسی در سال ۱۹۶۹ نوشت: «درواقع انگیزه قدرتمندی که در پس توسعه بازار ظروف دورریختنی نهفته، این است که به‌زای حذف هر بطری پس‌گرفتنی از بازار، ۲۰ بطری یک‌بارمصرف به فروش می‌رسد». در سال ۱۹۶۵، انجمن صنئی صنعت پلاستیک گزارش داد که پلاستیک ۱۳ سال پی‌دربی رکورد رشد را زده است.

اما پلاستیک از طرفی نیز مترادف با زباله بود؛ در آمریکا نرخ بازگشت بسته‌بندی‌های قابل استفاده مجدد مانند بطری‌های شیشه‌ای بیش از سال ۱۹۵۰، نزدیک به ۹۶ درصد بود؛ اما این نرخ تا دهه ۱۹۷۰ در مورد ظروف پس‌دادنی به زیر پنج درصد سقوط کرده بود. یک‌بارمصرف بودن ظروف به این معنی بود که اجناس بی‌شماری که تعدادشان پیش‌تر قابل تصور نبود، کم‌کم در گورستان‌های زباله لتبار می‌شدند. رالف الایسن، مشاور علمی کاخ سفید در اجلاس سازمان حفاظت از محیط‌زیست در سال ۱۹۶۹ با موضوع معضل فزاینده زباله‌ها ادعا کرد: «هرزبنده‌های اجتماعی جمع‌آوری، پردازش و دفع این اجناس تجزیه‌ناپذیر گراف است.»

در سال ۱۹۷۰ (دو ماه پیش از نخستین جشن «روز زمین») نیکسون، رئیس‌جمهور آمریکا به‌خاطر رواج روش‌های جدید بسته‌بندی با استفاده از موادی که تجزیه نمی‌شوند، اظهار تأسف کرد. در سال ۱۹۷۱ شهر نیویورک برای بطری‌های پلاستیکی مالیات وضع کرد. در سال ۱۹۷۳ کنگره آمریکا قانون ممنوعیت همه ظروف یک‌بارمصرف را به شور گذاشت و در سال ۱۹۷۷ ایالت هاوایی بطری‌های پلاستیکی را کلاً ممنوع کرد؛ نبردی علیه پلاستیک به راه افتاده بود و در آن برهه به نظر می‌رسید می‌توان پیروز این میدان شد.

از همان ابتدا صنعت پلاستیک به‌شدت با همه قوانین پیشنه‌های مبارزه کرد. تأسیسات عالی ایالتی قانون مالیات بر بطری شهر نیویورک را (در همان سالی که وضع شد) در پی دادخواهی انجمن صنعت پلاستیک که مدعی بودند رفتاری غیر عادلانه است، لغو کرد؛ قانون ممنوعیت بطری‌های پلاستیکی به هاوایی در سال ۱۹۷۹ به دنبال دادخواهی مشابهی از طرف یک شرکت فروش نوشیدنی در یک دادگاه منطقه‌ای لغو شد. بحث ممنوعیت ظروف یک‌بارمصرف در کنگره نیز پس از آنکه لای‌گران ادعا کردند این کار به مشاغل تولیدی آسیب خواهد زد، به سرانجام رسید.

انتلافی نه‌چندان قوی از شرکت‌های فعال در زمینه نفت و مواد شیمیایی، در کنار تولیدکننده‌های نوشیدنی و بسته‌بندی، نوعی استراتژی دوپختی در پیش گرفتند که توانست برای یک نسل در کاهش احساسات ضد پلاستیکی موفق عمل کند.

شرکت‌های درگیر با پلاستیک و دیگر بسته‌بندی‌های دورریختنی برای کمک به جا انداختن این پیام به تأمین مالی گروه‌های غیر انتفاعی مشغول شدند که مسئولیت‌های شرکت‌های پلاستیک آشغال‌پُررنگ نشان می‌دادند. یکی از این گروه‌ها با نام «آمریکا را زیبا نگه داریم» (۳) (به‌اختصار کی‌ای‌بی) که در سال ۱۹۵۳ تأسیس شد و از طرف شرکت‌هایی مثل کوکاکولا، پپسی، داو کمیکال و موبیل حمایت مالی می‌شد، صدها آگهی تبلیغاتی به نمایش گذاشت. مثلاً شعار پویش این گروه در روز زمین ۱۹۷۱ این بود: «فرار آلودگی را شروع می‌کنند، اما نمی‌توانند متوقفش کنند». این سازمان همچنین گروه‌های مدنی و اجتماعی محلی را برای سامان‌دهی پاکسازی‌ها و رسیدگی به معضل زباله‌ها که «سوایی ملی» خوانده می‌شد، به‌کار گرفت. این کار مزیت‌هایی داشت، اما در اوایل دهه ۱۹۷۰ نگرانی در مورد وابستگی‌های گروه کی‌ای‌بی به صنایع، گروه‌های طرفدار محیط‌زیست مانند سیپرا کلاب و آیزاک والتون لیگ، همچنین سازمان حفاظت از محیط‌زیست آمریکا را مجبور کرد دیگر به این گروه مشاوره ندهند. در سال ۱۹۷۶ روزنامه‌ها گزارش کردند که راسل ترین، رئیس سازمان حفاظت از محیط‌زیست آمریکا یادداشتی اعتراض‌آمیز منتشر کرده است که در آن ادعا می‌شود حامیان صنئی گروه کی‌ای‌بی در راستای تضعیف قوانین ضد آلودگی تلاش می‌کنند.

در این میان تولید جهانی پلاستیک رشد پرشتایی داشته و از حدود ۱۶۰ میلیون تُن در سال ۱۹۹۵، به ۳۴۰ میلیون تُن رسیده است؛ اما نرخ بازیافت هنوز هم به‌طور وحشتناکی پایین است. هرسال کمتر از ۱۰ درصد همه پلاستیک‌های آمریکا بازیافت می‌شود، حتی اگر نرخ بازیافت به‌طور معجزه‌آسا بالا می‌رفت، می‌توانستیم فقط تعداد محدودی کالا از پلاستیک‌های بازیافت‌شده بسازیم، پس همیشه تقاضای بیشتری برای پلاستیک جدید خواهیم داشت. رونالد گایر، بوم‌شناس صنعتی دانشگاه کالیفرنیا که گزارش ۲۰۱۷ با عنوان «تولید، مصرف و سرنوشت همه پلاستیک‌های ساخته‌شده تاکنون» (۵) بین سیاست‌گذاران آمریکا و اروپا مرجعی تحول‌ساز شده است، به من گفت: «روزبه‌روز بیشتر متقاعد می‌شوم که بازیافت تأثیری در کاهش حجم پلاستیک‌های دنیا ندارد.»

هرچند اشتیاق عمومی به راه‌اندازی پویش‌های ضد پلاستیک تا حدی از این تلقی ناشی می‌شود که مشکل پلاستیک ساده‌تر و حل‌شدنی‌تر از مشکل تغییرات اقلیمی است، ارتباط این دو مسئله با یکدیگر نزدیک‌تر از چیزی بوده که بیشتر مردم تصور می‌کنند. هفت مورد از ۱۰ تولیدکننده عمده پلاستیک شرکت‌های فعال در زمینه نفت و گاز طبیعی‌اند؛ از وقتی که این شرکت‌ها سوخت فسیلی استخراج می‌کنند، انگیزه بزرگی برای ساخت پلاستیک خواهند داشت. گزارش ۲۰۱۶ مجمع جهانی اقتصاد پیش‌بینی کرد که تا سال ۲۰۵۰، ۲۰ درصد از همه نفت‌های استخراجی سراسر دنیا در ساخت پلاستیک مصرف خواهند شد. یوهانا کرام و مارتین واکنر اخیراً در مقاله‌ای نوشتند: «درنهایت آلودگی پلاستیکی بخش مشهود و ملموسی از تغییرات اقلیمی ساخته دست بشر شده است. پارادوکس پلاستیک یا دست کم دغدغه کنونی ما در مورد پلاستیک به این صورت است که با اطلاع از حجم مشکل تصمیم گرفتیم اقدامی انجام دهیم، اما هرچه بیشتر آن را پس زدیم، بیشتر خود را مشکلی بی‌حودمز و رام‌نشدنی نشان داد؛ مانند همه مسائل زیست‌محیطی دیگری که توانسته‌ایم حلشان کنیم و در این میان به موانع یکسانی برمی‌خوریم، کسب‌وکارهای مقرراتناپذیر، دنیای جهانی‌شده و سبک زندگی ناپایدار خود.

مردم همچنان می‌خواهند با پلاستیک مقابله کنند، باید هم بخواهند. برخلاف همه ناملایمت‌ها، شاید جنبش ضد پلاستیک موفق‌ترین پویش جهانی زیست‌محیطی باشد که از بدو قرن حاضر تاکنون شکل گرفته است. اگر دولت‌ها به به‌عادتشان پایبند باشند و جنبش شتاب خود را حفظ کند، اثربخش خواهد بود. استیو زینگر، تحلیل‌گر شرکت آمریکایی وود مکزی به من گفت: «کار بزرگی که به‌خصوص احساس احاسات ضد پلاستیک مصرف‌کنندگان شدیدتر شده، شرکت‌ها مجبور خواهند شد الگوهای کسب‌وکار خود را با واقعیت‌های جدید ممنوعیت‌های پلاستیک سازگار کنند». او همچنین گفت که تولیدکنندگان نفت با افت تقاضا مواجه خواهند شد. این همان روی مثبت پارادوکس پلاستیک است. اگر پلاستیک نمونه کوچک همه مشکلات زیست‌محیطی ماست، آنگاه طبق همین منطق راهکارهایش نیز نمونه خواهد بود. در همین چند سال شواهد علمی درباره آسیب‌های زیست‌محیطی ناشی از پلاستیک مردم را به نظم و سازمان‌دهی بیشتر ترغیب کرده، دولت‌ها را به اعمال مقررات واداشته و حتی توجه شرکت‌های بزرگ سوخت‌های فسیلی را نیز جلب کرده است. در سوپرمارکت‌ها خریداران کمتر درخواست بسته‌بندی کرده و در عرض یک سال شرکت نفت و گاز بی‌بی پیش‌بینی کرد که تا سال ۲۰۳۰ تولید نفت این صنعت روزانه دو میلیون بشکه کاهش خواهد یافت. دغدغه ما

درباره پلاستیک به رسمیت شناخته شده است. در نبرد بزرگ‌تر تغییرات اقلیمی، واکنش علیه پلاستیک ممکن است پیروزی کوچک‌ا اما نیروبخش و الگویی برای اقدامات آتی باشد. این یعنی باید بپذیریم که مشکلات چقدر باهم مرتبط‌اند، باید بدانیم که پلاستیک مشکلی مجزا نیست که بتوانیم از زندگی خود دور کنیم، بلکه مشهودترین محصول مصرف آفسازگنیخته ما در نیم‌قرن گذشته است؛ این چالش هرچند بسیار بزرگ و پی‌حودمز بوده، اما وقتی پای صحبت ریچارد تامسون می‌نشینم (اقیانوس‌شناسی که اصطلاح میکروپلاستیک را ابداع کرد) او از خوش‌بین دیدم. گفت: «در ۳۰ سال گذشته هیچ‌وقت این اندازه هم‌گرایی بین دانشمندان، دنیای کسب‌وکار و دولت وجود نداشت؛ فرصتی واقعی برای حل این معضل پدید آمده است.»

پی‌نوشت‌ها:
• این مطلب با استفتن بورانی نوشته است و در تاریخ ۱۳ نوامبر ۲۰۱۸ با عنوان «The plastic backlash-what’s behind our sudden rage – and will it make a difference» در وبسایت گاردین منتشر شده؛ وب‌سایت ترجمان آن را در تاریخ ۲۳ مهرماه ۱۳۹۸ با عنوان «بطری خالی را در سطل انداختید؟ واقعاً «هیچ» کاری برای محیط‌زیست نکردید» و ترجمه مجتبی هافتم، منتشر کرده است.

• استفن بورانی (Stephen Buranyi) روزنامه‌نگار و نویسنده‌ای در زمینه علم و پزشکی است که در لندن زندگی می‌کند. او تحصیلات خود را در ایمنی‌شناسی به پایان برده و سابقاً به تحقیقات زیست‌شناختی در این زمینه مشغول بوده است.

scource (۱)
Bakelite (۲)
Keep America Beautiful (۳)
wish-cycling: افراد معمولاً زباله‌ها را در سطل‌های بازیافت می‌اندازند، به این امید که کسی به نحوی آن‌ها را بازیافت خواهد کرد. بیل کیگان، رئیس یک شرکت بازیافت در شهر شاکبی ایالت مینه‌سوتا، این اصطلاح را برای اشاره به چنین حالتی ابداع کرد (مترجم).
Geyer, Roland, Jenna R. Jambeck, (۵)